



شغل اول

First Job



شغل اول

First Job

معمولاً افراد قبل از ورود به بازار کار تصویری از شغل و محیط شغلی دارند که توسط خانواده و اطرافیان ساخته می‌شود و این تصویر با واقعیت محیط کار تفاوت زیادی دارد. ممکن است جمله‌ای مانند «من می‌خواهم با کار کردن به جامعه خدمت کنم» را شنیده باشید. اما آیا به معنای واقعی این جمله فکر کرده‌اید؟ مگر کسی قصد خیانت در کار خود دارد؟ در واقع، همه ما در حال خدمت به جامعه هستیم.

این نوع عبارات، تصویری ایجاد می‌کند که پس از ورود به محیط کار، احساس می‌کنید خدمت کردن باید کار بسیار خاصی باشد و قرار است تحولی در شرکت و صنعت ایجاد کنید. همچنین در دانشگاه‌ها به گونه‌ای برخورد می‌شود که گویی افراد جامعه هیچ تخصصی ندارند و شما قرار است انقلابی در صنعت، علم یا اقتصاد به وجود آورید. اما وقتی وارد بازار کار می‌شوید، متوجه می‌شوید که قادر به تغییر چیزی نیستید و همکاران با تجربه‌تر به شما می‌گویند: وضعیت هرچقدر هم بد باشد، بهترین وضعیت موجود است و اگر کاری قابل انجام بوده، آن‌ها قبلاً انجام داده‌اند.

احتمالاً شما به عنوان شخصی که به تازگی شروع به کار کرده است، در مواجهه شدن با این شرایط در هم می‌شکنید و شاید بسیاری از بی‌انگیزگی‌های سال‌های آینده که کار را برای شما فقط به یک وظیفه روتین و کسل‌کننده تبدیل می‌کند از اینجا ناشی می‌شود. در اینجا است که اهمیت شغل اول نمایان می‌شود.

شاید این به نظر ساده بیاید، اما همه افرادی که در سمت‌های مهم و شرکت‌های بزرگ فعالیت می‌کنند، روزی با یک شغل آغاز کرده‌اند. اما نکاتی در این انتخاب شغل وجود دارد:

اولین نکته که بسیار حائز اهمیت است، این است که معمولاً اولین شغل افراد هیچ ارتباطی با مسیر شغلی بلندمدت آن‌ها ندارد و بسیاری از افراد بزرگ دنیا مشاغل فعلی‌شان هیچ ارتباطی با موقعیت‌های شغلی اولیه‌شان ندارد.

شانس یا تصادف؟

موردی که بسیار جالب توجه است این است که اکثر افراد از موقعیت شغلی اول به موقعیت‌های اصلی خود به‌طور تصادفی منتقل می‌شوند تا این‌که مسیر شغلی مشخصی داشته باشند.

کار تخصصی

تلاش برای کار در زمینه تخصصی خود بسیار خوب است، اما نباید این مسیر را با تحصیلات خود یکی فرض کنید. دو نکته مهم در این زمینه وجود دارد:

ما در دانشگاه، دانش عملی خاصی نمی‌آموزیم و باید این تخصص از طریق تجربه به‌دست آید. (بنابراین یادتان باشد اینکه شغل اول شما چقدر با مدرک تحصیلی‌تان مطابقت دارد، نباید باعث نگرانی شما شود.)

1

هدف از اولین شغل این نیست که کار خارق‌العاده‌ای انجام دهید یا انقلاب صنعتی و اقتصادی در کشور ایجاد کنید.

2

اهداف شغل اول

شاید برای شما سؤال باشد که پس هدف از شغل اول چیست؟

در ادامه اهداف شغل اول را برای شما بیان می‌کنیم:



یادگیری نحوه گزارش‌دهی به مدیر



آموزش آداب شاغل بودن



یادگیری نحوه برخورد با همکاران



یادگیری حضور مؤثر در محل کار



آشنایی با آداب برخورد با دیگران



آشنایی با جزئیات اجرایی کارها



یادگیری احترام به کسانی که ممکن است روزی زیر دست شما باشند.

سال‌های اول تا سوم آغاز کار، بیشتر شبیه کارآموزی است و مهم‌تر از محتوای کار، **محیط کار** است.



مستقل از اینکه شما کجا وارد کار می‌شوید **اصولی** وجود دارد که اگر آن‌ها را رعایت کنید، می‌توانید در کارتان موفق‌تر باشید و سریع‌تر و پایدارتر پیشرفت کنید. در ادامه، به بررسی این اصول می‌پردازیم.

۱ شهروندی سازمانی

شاید تاکنون به واژه «شهروند» فکر کرده باشید، برایتان جالب است که بدانید این واژه اولین بار بیش از 2000 سال پیش در یونان استفاده شده، در زمان برگزاری المپیک قوانینی را برای مهمانان به دیوارهای شهر می‌زدند ولی این اصطلاح رواج داشت که می‌گفتند این قوانین برای مهمانان است و اگر شما شهروند هستید باید تمام این موارد را رعایت کنید به علاوه هر کار دیگری که باعث می‌شود المپیک آرام‌تر و موفق‌تر برگزار شود. و شهروندان زمانی تعلق خود را نشان می‌دادند که فراتر از شرح وظایف و قوانین عمل می‌کردند.

در مورد شهروندی سازمانی نیز اوضاع به همین روال است. که باید فراتر از شرح وظایف عمل کنید و آنجاست که تعلقتان به سازمان را نشان می‌دهید، شهروندی سازمانی یکی از مفاهیمی است که افرادی که آن را رعایت می‌کنند بسیار سریع‌تر رشد می‌کنند.

البته همیشه هم راحت نیست!

ممکن است در اطراف شما کسانی باشند که چون هرگز کار نکرده‌اند یا هیچوقت نمی‌خواستند کار کنند و یا شهروند خوبی نبودند از اینکه ببیند شما کار می‌کنید خوشحال نشوند.

در اینجا یک انتخاب دشوار پیش روی شماست:

یا باید بپذیرید که تنبل بودن و کار نکردن را انتخاب کنید و مثل همان افراد به یک آدم معمولی تبدیل شوید.

1

یا بیشتر کار کنید، تلاش کنید و خارج از شرح وظایفتان کار کنید و ریسک احتمالی اینکه مشکلاتی برایتان به واسطه همکاران نامناسب و غیرشهروند پیش بیاید را بپذیرید اما بدانید که در آینده برآیند و سرعت رشد شما بسیار سریع‌تر از اطرافیان خواهد بود.

2

۲ گزارش‌دهی

اصل بعدی اصل گزارش‌دهی است، گزارش‌دهی برای بسیاری از افراد یکی از دشوارترین کارهاست. ما دوست داریم کارهایمان را انجام دهیم و مدیران فقط نتیجه آن را ببینند اما به خاطر داشته باشید همانقدر که ما گزارش‌دهی را دوست نداریم به همان اندازه مدیران علاقه‌مند و مشتاق گزارش هستند. گزارش‌دهی سندی است از اینکه چه کارهایی برای مجموعه انجام داده‌اید. حتی اگر کارتان خیلی ساده باشد.

جالب است بدانید وقتی مدیر شما می‌بیند که شما همه چیز را ثبت می‌کنید علاقه‌مند می‌شود که شما رشد کنید چون معتقد است شما اگر در سمت بالاتر هم باشید فعالیت‌هایتان و زیرمجموعه‌تان شفاف است.

«اگر شما دوست دارید روزی مدیری شوید که دیگران به شما گزارش دهند بهتر است در قدم اول خودتان گزارش‌دهی را تمرین کنید.»

گزارش‌دهی به معنای روضه خوانی و انشا نوشتن نیست و هیچکس حوصله ندارد یک متن طولانی را بخواند، بلکه به معنای ارائه یک تعداد عدد، شاخص و نشانه است.



چرا گزارش‌دهی خوب است؟

- ✓ شما را وادار می‌کند بیشتر کار کنید. و خود را کنترل کنید.
- ✓ مدیر شما در جریان این است که شما کار می‌کنید.
- ✓ مدیرتان متوجه می‌شود شما شفاف هستید و هر کاری انجام دهید، از آن گزارش می‌دهید.

به این نکته توجه داشته باشید که **بزرگترین ترس مدیران** این است که قسمتی از مجموعه آن‌ها شفاف نباشد و شما با این کار باعث از بین رفتن این ترس می‌شوید و به فردی قابل اعتماد تبدیل می‌شوید.

۳ انتقاد در روزهای نخست کار!

یکی دیگر از نکاتی که باید در روزها و ماه‌های اول کار در نظر بگیرید این است که نباید از روند و وضعیت موجود و فرایند کارها انتقاد جدی کنید. زیرا افرادی که در سازمان هستند قاعداً نظرشان بر این است که تلاششان را انجام داده و بهترین وضعیت موجود را ایجاد کرده‌اند و حتی اگر تلاشی هم نکرده باشند احساس خوبی از اینکه نیرویی که تنها چند روز است وارد سازمان شده از آن‌ها انتقاد کنند دریافت نمی‌کنند. بنابراین در ابتدای کار شما باید تا حدی به جو سازمان ملحق شوید و روند فعلی و رویه‌های کاری را همانند آن‌ها انجام دهید. و سپس آرام آرام در جهت بهبود تلاش کنید.

البته اینکه نقد نکنید و ایراد را نگویید به این معنا نیست که اشتباهات گذشته را تکرار کنید. این نکته را مدنظر داشته باشید که همه افرادی که در یک سازمان رفتار نادرستی را انجام می‌دهند خودشان را محق می‌دانند که این رفتار را انجام دهند، اما همان افراد به شما این حق را نمی‌دهند که این چنین کارهایی را انجام دهید.

بنابراین ضمن اینکه در اوایل کار نباید خیلی بازخورد منفی به شرایط محیطی نشان دهید بلکه باید به خاطر داشته باشید با این رفتارهای نادرست سازمانی نیز همراه نشوید.

۴ راهنمایی بگیرید!

نکته مهم دیگر این است که از افراد با سابقه راهنمایی بگیرید، و همکارانتان را در شغل و مسیر شغلی خودتان سهیم کنید. شما زمانی که از دیگران راهنمایی می‌خواهید ضمن اینکه مسیر کاریتان را بهتر پیش می‌برید، از تجربیات نفرات قبلی استفاده می‌کنید و آن‌ها را در رشد خود سهیم می‌کنید. و ضمن دریافت حمایت آن‌ها شما میراث دار افراد قبلی و باتجربه سازمان می‌شوید.

۵ برخورد با همکاران

قبل از هرچیز بخاطر داشته باشید شما باید در محیط کاری جدید شبکه دوستی ایجاد کنید. افراد به میزانی که ارتباطات گسترده‌تری در محیط کار دارند **زمینه‌های پیشرفت بیشتری** را برای خود فراهم می‌کنند و خود را در مقابل مشکلات، حسادت‌ها و رقابت‌های احتمالی **محافظت** می‌کنند.

مورد بعد این است که مراقب باشید از کسی پیش فرد دیگری گله نکنید. روابط محیط کار بسیار پیچیده است، بنابراین ضمن اینکه صحبت کردن پشت افراد نه تنها همیشه اشتباه است بلکه در زمانی که شما به تازگی وارد محیط کاری شدید می‌تواند یک **تهدید برای کل موقعیت شغلی** شما باشد.

این مورد به این معنا نیست که هیچ نظری ندهید بلکه منظور این است که صبور باشید و بگذارید روابط و دینامیک آن‌ها را در محیط بشناسید تا بتوانید تشخیص دهید که سود و هزینه هرکدام از این نقدها چقدر است.

با این کار از سواستفاده افراد سودجو جلوگیری می‌کنید و نمی‌گذارید بازیچه این افراد شوید و از شما به عنوان ابزاری برای ایجاد دعوای درون سازمانی به نفع خود استفاده کنند.

صحبت درمورد اقوام، مذاهب، نظریات سیاسی مختلف

نکته بعدی که به شما کمک می‌کند در محیط آرام و کم تنش‌تری کار کنید این است که یادتان باشد درباره اقوام، مذاهب، نظریات سیاسی مختلف صحبت نکنید. سازمان و شرکت هیچ‌وقت محل مناسبی برای این قبیل صحبت‌ها نیست اما در اوایل کار که اصلاً نباید باشد، زیرا ما نمی‌دانیم با چه افرادی و با چه طرز تفکری صحبت می‌کنیم. این قضاوت‌ها ضمن اینکه اکثر اوقات پایه علمی ندارند، قضاوت‌هایی است که می‌تواند به دیگران نشان دهد شما چقدر سطحی‌نگر هستید و راجع به همه چیز قضاوت‌های بیجا می‌کنید که این امر می‌تواند اعتبار شما را زیر سوال ببرد.

بنابراین به خاطر داشته باشید که بدگویی از رفتار و کار دیگران و صحبت منفی یا مثبت درباره گروه‌ها، اقوام و عقاید سیاسی مختلف می‌تواند یک ریسک بزرگ برای ماه‌های نخست کار شما باشد.

و در نهایت باید بگوییم که با توجه به چالش‌ها و واقعیت‌های کار، اهمیت شغل اول در یادگیری و ایجاد ارتباطات قابل توجه است. از این مرحله به عنوان فرصتی برای رشد و توسعه خود استفاده کنید. با آرزوی موفقیت برای شما، امیدوارم به سرعت در محیط کارتان پیشرفت کنید.

نتیجہ حاصل ہے!

Websima business studio

استودیو کسب وکار ویب سیمہ